

مشخصات جزوه:

نام دانشجو: حامد اصلانی (رشته حقوق)

درس: اصول فقه 1

موضوع: جزوه جلسه هفتم

استاد: حسینی زندآبادی

---

سالم هم کلاسی عزیز نکته اول که باید توجه داشته باشید مطالب این جزوه فقط خلاصه و بخشی از چکیده مطالب این جلسه اصول فقه 1 میباشد الزام است همانطور که استاد عزیز استاد حسینی زندآبادی در جلسات پیشین فرمودند برای درک بهتر این جزوه منبع اصلی یعنی کتاب اصول فقه کاربردی آقای قافی از انتشارات سمت را تهیه و مطالعه کنید.

---

مطلب هفتم: دلالت امر بر فوریت یا تراخی

سؤال اصلی این است: زمانی که عامر دستوری صادر می کند، آیا مأمور باید بلافاصله (فوریت) آن را انجام دهد یا می تواند با تأخیر و صبر (تراخی) اقدام کند؟

تراخی: به معنای سستی، رخوت و به تأخیر انداختن انجام امر است.

در این خصوص سه حالت متصور است:

1. خودِ عامر فوریت یا عدم فوریت را ذکر کرده باشد

در این صورت طبق دستور عامر عمل می شود

مثال‌های شرعی برای فوریت:

ادای دین: اگر موعد قرض رسیده باشد، واجب فوری است؛ حتی فقها می‌گویند اگر کسی در حال نماز واجب باشد و طلبکار پولش را بخواهد، باید نماز را قطع کند، دین را بپردازد و دوباره نماز بخواند.

جواب سلام: وجوب فوری دارد.

تطهیر مسجد: اگر مسجد نجس شود، تطهیر آن بر نماز مقدم است (اگر وقت نماز موسع باشد).

مثال‌های قانونی برای فوریت:

ماده 175 قانون آیین دادرسی مدنی: آرای مربوط به رفع تصرف عدوانی، مزاحمت یا ممانعت از حق باید «بلافاصله» اجرا شوند.

ماده 80 قانون مجازات اسلامی (سابق): حد زنا باید «فوراً» جاری شود.

مثال‌های عدم فوریت (مهلت‌دار):

نمازهای یومیه: مثلاً وقت نماز صبح از اذان تا طلوع آفتاب است

ماده 488 قانون مجازات اسلامی: مهلت پرداخت دیه (یک سال برای قتل عمد و دو سال برای شبه عمد)

2. عامر چیزی نگفته باشد اما «قرینه» وجود داشته باشد

در این حالت مطابق قرینه (لفظی یا عقلی) عمل می‌شود.

مثال استاد: نجات جان انسانی که در آتش‌سوزی گرفتار شده است؛ هرچند قانون‌گذار کلمه «فوراً» را نگفته

باشد، اما عقل حکم می‌کند که باید بلافاصله اقدام کرد و نمی‌توان انجام آن را به بعد از انجام کارهای شخصی

موکول کرد

3. عامر چیزی نگفته باشد و قرینه‌ای هم وجود نداشته باشد

حکم: در این صورت اصل بر عدم فوریت است و مأمور می‌تواند باطمینان کار را انجام دهد.

-----

مطلب هشتم: دلالت امر بر تکرار یا عدم تکرار (مَرّه)

آیا انجام یک باره‌ی مأموریه کافی است یا باید بارها تکرار شود؟

مَرّه: به معنای یک بار انجام دادن فعل است.

در اینجا نیز سه حالت وجود دارد :

1. خودِ عامر ذکر کرده باشد

مثال استاد (تکرار): کارفرما به کارگر بگوید: «از فردا هر روز این ظرف را آب کن» .

مثال استاد (عدم تکرار): کارفرما بگوید: «یک لیوان آب بیاور» که برای رفع تشنگی فعلی است .

2. عامر چیزی نگفته باشد اما قرینه وجود داشته باشد

مثال استاد (عدم تکرار): پرداخت قبض موبایل یا جریمه راهنمایی و رانندگی؛ با یک بار پرداخت، تکلیف ساقط

می‌شود. اگر قبض جدیدی بیاید، مربوط به کارکرد جدید است و تکرار دستور قبلی محسوب نمی‌شود.

3. عامر چیزی نگفته باشد و قرینه‌ای هم نباشد

حکم: در این صورت اصل بر عدم تکرار (مره) است .

مثال استاد: حج؛ خداوند در قرآن فرموده مستطیع باید حج به جا آورد، اما چون تکرار را ذکر نکرده و قرینه‌ای

هم نیست، یک بار انجام آن در عمر کافی است .

---

مطلب نهم: تقسیمات واجب

با توجه به اینکه امر دلالت بر وجوب دارد، شناخت انواع واجب ضروری است.

الف) واجب عینی و واجب کفایی

واجب عینی: عملی است که از تک تک مکلفین خواسته شده و انجام آن توسط دیگران، تکلیف را از بقیه ساقط

نمی‌کند

مثال‌های استاد: نمازهای روزانه، روزه، زکات و حج.

واجب کفایی: عملی است که از همه خواسته شده، اما اگر به اندازه کافی افرادی آن را انجام دهند، از عهده

دیگران برداشته می‌شود

مثال‌های استاد: امر به معروف و نهی از منکر، جهاد، نجات غریق، و تجهیز و تدفین میت (غسل، کفن، نماز و

دفن)

نکات مهم:

در واجب کفایی، تحقق عمل مهم است، نه اینکه چه کسی آن را انجام دهد

در موارد شک، اصل بر عینی بودن واجب است

در قوانین، واجب عینی زیاد است اما واجب کفایی اندک (مانند لزوم کمک به آسیب‌دیدگان حوادث)

ب) واجب تعیینی و واجب تخییری

واجب تعیینی: عملی است که مکلف باید دقیقاً همان را انجام دهد و جایگزینی در عرض آن ندارد

مثال‌های استاد: نماز، روزه و حج (نمی‌توان به جای نماز، پول به فقیر داد)

واجب تخییری: عملی است که مکلف می‌تواند از میان چند گزینه، یکی را انتخاب کند

مثال شرعی: کفاره افطار عمدی روزه؛ انتخاب بین 60 روز روزه، یا اطعام 60 فقیر، یا آزاد کردن یک بنده

مثال‌های قانونی:

ماده 297 قانون مجازات سابق (دیه قتل عمد): انتخاب از بین 6 مورد

ماده 282 قانون مجازات جدید (مجازات مفسد فی الارض): قاضی بین 4 مجازات (قتل، صلب، نفی بلد، قطع

عضو) مخیر است

مواد 271 و 311 قانون مدنی (در مورد پرداخت دین و مراجعه مالک به غاصبین)

-----

نکته: تفاوت رابطه طولی و عرضی

اگر یک عمل، جایگزینی داشته باشد که فقط در صورت تعذر (نبودن شرایط) اولی باید سراغ دومی رفت، این واجب تخییری نیست، بلکه تعیینی است .

مثال بسیار مهم: وضو و تیمم؛ این دو در طول هم هستند (تا آب هست باید وضو گرفت و فقط در صورت نبود آب، تیمم جایز است). بنابراین وضو و تیمم واجب تعیینی محسوب می‌شوند، نه تخییری؛ چون مکلف در انتخاب آنها آزاد نیست.

موفق باشی همکلاسی عزیز .انشالله به امید موفقیت همگی در امتحانات پایان ترم ♡